



درک شب قدر در گرو قرب به اهل بیت است/ ولی خدا؛ محور لیلۃ القدر

حجت الاسلام عالی گفت: هر کس بتواند در این شب ها یک قدم به معصوم نزدیک شود توانسته شب قدر را درک کند. قرب ما به خدا تابع قرب ما به معصوم است و درک شب قدر به این معنی است.

حجت الاسلام عالی گفت: هر کس بتواند در این شب ها یک قدم به معصوم نزدیک شود توانسته شب قدر را درک کند. قرب ما به خدا تابع قرب ما به معصوم است و درک شب قدر به این معنی است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: مروری بر سوره قدر و بررسی محتوای این سوره نشان می دهد که نزول ملائکه و روح به اعتراف همه مفسرین بر وجود مبارک ولی الله اعظم خواهد بود. از این جهت درک مقام ائمه معصومین در حد فهم خود و تلاش برای نزدیک شدن به این ذوات مقدسه درک شب قدر را به همراه خواهد داشت. برای بررسی آیات سوره قدر و عظمت این شب بزرگ به سراغ دو تن از کارشناسان دینی کشور رفتیم.

حجت الاسلام عالی در مورد عظمت شب های قدر گفت: اگر کسی بتواند شب های قدر را درک کند چیز فوق العاده ای به دست می آورد. درک یک شب به اندازه هزار ماه یعنی یک عمر عبادت است. اگر شب قدر را درک کنید یک گام هشتاد و چند ساله عبادت را برداشته اید. یعنی اگر کسی ده شب قدر را درک کند به اندازه اینکه ده عمر را بندگی کرده باشد رشد می کند. شب قدر شب ولی الله معصوم در هر زمانی است. شب قدر شب اوست و شبی است که خداوند میهمانی و ضیافت خاصی برای او ترتیب می دهد. در روایات آمده است که سوره قدر را در نمازهای خود زیاد بخوانید این سوره ولایت است و فرمودند اگر می خواهید با مخالفین ما اهل بیت بحث کنید با این سوره با آنها بحث کنید.

تمام ملائکه و روح که اعظم ملائکه است در شب قدر پایین می آید چه کسی تحمل این را دارد که تمام ملائکه بر او وارد شوند؟ نشان می دهد که در عالم یک ولی معصوم است که ملائکه بر او وارد می شوند

وی ادامه داد: کجای این سوره ولایت است؟ امام باقر فرمود شما در این سوره می گوید: «تَنزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»؛ تمام ملائکه و روح که اعظم ملائکه است در شب قدر پایین می آید چه کسی تحمل این را دارد که تمام ملائکه بر او وارد شوند؟ نشان می دهد که در عالم یک ولی معصوم است که ملائکه بر او وارد می شوند.

وی افزود: خدا اصل میهمانی را برای ولی اش ترتیب داده است. ما سر سفره ریزه خوار ولی او هستیم. آن نازله ای از سفره معصوم و از آن میهمانی خاص خدا با معصوم به کسی می رسد که در شب قدر توسلش به معصوم باشد.

این کارشناس دینی گفت: راه خدا فقط یک راه است. صراط فقط یکی است. پیامبر با چوب روی زمین چند خط کج کشیدند و یک خط صاف، فرمودند صراط یک راه بیشتر نیست. اینچنین نیست که گمان کنیم هر راهی دلمان بخواهد برویم راه خداست. «طَرَاظُ هُوَ عَلِيُّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ»؛ باب الله معصومین هستند و هیچ راه دیگری ندارد.

حجت الاسلام مسعود عالی ادامه داد: هر کس بتواند در این شب ها که مهمان اصلی خدا، ولی است، یک قدم به معصوم و به این باب نزدیک شود توانسته شب قدر را درک کند.

وی در پایان گفت: قرب ما به خدا تابع قرب ما به معصوم است و درک شب قدر به این معنی است. باید تفاوتی در زندگی از فردای شب قدر نسبت به ولی خدا داشته باشیم یعنی توجه بیشتر و قرب بیشتری نسبت به ولی خدا پیدا کنیم.

حشمت الله قنبری نیز با اشاره به آیات سوره قدر در مورد عظمت این شب گفت: قرآن کریم در تعریف شب موسوم به قدر بیانی روشن دارد. خداوند می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»؛ یعنی این کتاب با عظمت در شب قدر بر فرستاده خدا، نازل شد. «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»؛ این شب هم شبی نیست که به سادگی قابل فهم و درک باشد.

در آیه دیگری فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ»؛ قرآن در شب مبارک نازل شد. لذا شب قدر شب مبارکی

است. چه کسانی می توانند به حریم این شب نزدیک شوند؟ کسانی که وجودی مبارک پیدا کرده باشند

وی ادامه داد: در آیه دیگری فرمود «إنا أنزلناه في ليلة مباركة»؛ قرآن در شب مبارک نازل شد. لذا شب قدر شب مبارکی است. چه کسانی می توانند به حریم این شب نزدیک شوند؟ کسانی که وجودی مبارک پیدا کرده باشند. شب قدر برای کسانی که در دایره بندگی خدا برای خود جایگاهی پیدا کرده اند، خیلی متفاوت به تصویر کشیده شده است.

این کارشناس دینی افزود: درک شب و وجود مبارک پیدا کردن کار اساسی و مهمی است که وقتی در این شب به روی اولیای خدا باز می شود، دگرگون می شوند. «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ»؛ نزول قرآن بر پیامبر اتفاق افتاد. پیامبر مظهر تام غیب و وحی است. اما درک این وحی قبل از نزول وحی برای همه باز نبود. کسی که می فهمید و درک می کرد وجود مبارک بود و آن کسی نبود جز امیرالمومنین که در سن کودکی فرمود «إِراه و من پراه غیري»؛ من او را می دیدم و غیر از من کسی او را نمی دید. «أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَ الرَّسَالَةِ وَ أَشْمُ رِيحَ النَّبُوءَةِ»؛ نور وحی و نور رسالت او را می دید. چرا می دید؟ برای اینکه نفس پیامبر بود. مردمان مکه امین شهر خود را می دیدند و علی(ع) در همان دوران کودکی، تمام قامت خاتم پیامبران را می دید.

حشمت الله قنبری گفت: لذا بی راه نیست که انسان ادعا کند در رسیدن به منزلت نبی و رسول آخر، علی(ع) است. شخصیتی که دیگران نمی دیدند او می فهمید و درک می کرد و منشأش این بود که خودش وجود مبارک بود.

شب قدر به آن داستان نزول محدود نشد بلکه «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ»؛ رخ می دهد. یعنی تنزل ملائکه و روح یک جریان مستمر است. یعنی در هر سال شب قدری وجود دارد و در آن شب قدر دیگر قرآن نازل نمی شود اما ملائکه نازل می شوند

وی افزود: نزول وحی و پایین آمدن جبرائیل تابع زمان است و قرآن نازل شد و ماجرای رسالت و نبوت تحقق پیدا کرد. اما شب قدر به آن داستان نزول محدود نشد بلکه «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ»؛ رخ می دهد. یعنی تنزل ملائکه و روح یک جریان مستمر است. یعنی در هر سال شب قدری وجود دارد و در آن شب قدر دیگر قرآن نازل نمی شود اما ملائکه نازل می شوند. این اتفاق تا قبل از بعثت پیامبر فقط بر وجود اقدس او رخ می داد. اما بعد از نازل شدن قرآن وقتی جامع بودن رسالت او تحقق پیدا کرد، دست این وحی و دست این قرآن در دست اهل بیت عترت نشست و رابطه بین زمین و آسمان یک رابطه غیر قابل گسست شد.

وی گفت: ملائکه و روح برای چه می آیند و چرا یک شب افضل بر هزار ماه است؟ اهل تفسیر در بیان این موضوع برداشت های متنوعی داشتند اما من با اتکا به روایتی از پیامبر نکته ای عرض می کنم. پیامبر فرمود بنی امیه از منبر من بالا می روند. عمر حکومت آنها هزار ماه بوده است. این طور استفاده کرده اند که یک شب زندگی در سایه حکومت اهل بیت، از هزار ماه زندگی کردن در ظل حکومت بنی امیه با فضیلت تر است.

وی ادامه داد: این استنباط درستی نیست چون وقتی شما می گوئید «خیر من الف شهر»؛ یعنی یک شب در کنار امیرالمومنین خیر است نسبت به هزار ماه در سایه طاغوت. لذا شما باید امید به خیری در طاغوت داشته باشید که مثلاً یک شب خیر او برابر با هزار ماه خیر طاغوت باشد، در حالی که اینگونه نیست. تمام موجودیت بنی امیه را شر فرا گرفته است. قیاس کردن این دودمان با سر منشأ فیض الهی یعنی امیرالمومنین و اولاد او غلط است.

اگر از «لایله القدر خیر من الف شهر»؛ استناد سیاسی و حکومتی کنیم این می شود که یک ساعت زندگی در سایه علی از هزار ماه حکومت سلیمان نبی بالاتر است. لذا قیاس با بنی امیه غلط است

این کارشناس دینی گفت: اگر بناست تطبیق داده شود و در نگاه سیاست گفته شود «لایله القدر خیر من الف شهر»؛ شما باید حکومتی را پیدا کنید که خیر بر آن حاکم باشد. در تمام تاریخ بشر دو حکومت خیر وجود داشته که بر کل زمین بسط ید داشته است. یکی حضرت سلیمان و یکی هم ذوالقرنین. اسباب هم در اختیار آنها بود که بر جانداران احاطه داشته که یک سلطنت بر پایه حکمت را اعمال می کردند. اما روایات اسلامی دلالت بر این دارند که داود در آخرین لحظه عمر وقتی نگاهش بر لقمان افتاد به او گفت لقمان! انتخاب تو برای دوری جستن از حکومت، از پذیرفتن حکومت توسط من حکیمانه تر بود. اگر از «لایله القدر خیر من الف شهر»؛ استناد سیاسی و حکومتی کنیم این می شود که یک ساعت زندگی در سایه علی از هزار ماه حکومت سلیمان نبی بالاتر است. لذا قیاس با بنی امیه غلط است.

وی ادامه داد: «وما ادراك ما ليله القدر»؛ شما آن را درک نمی کنید. چه در آن است که درک نمی شود؟ ابن شهر آشوب در جلد سوم مناقب خود در صفحه ۲۶۸ از پیامبر نقل می کند که نگاهی به علی کرد و فرمود «مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَغَيْرُكَ»؛ علی جان هیچ کس غیر از من و تو شناخت به حق نسبت به خدا به دست نمی آورد. یعنی خدا در آن حقی که باید بندگی شود فقط دو بنده دارد، یکی پیامبر و دیگری علی(ع). بعد فرمود «وَمَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرَ اللَّهِ وَغَيْرِي»؛ علی جان! و تو را جز خدا و من به حق شناخت.

این کارشناس دینی گفت: وقتی پیامبر را تکذیب کردند «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا»؛ گفتند تو فرستاده خدا نیستی. «قل كفى بالله بيني وبينكم»؛ بگو شاهد رسالت من بین من و شما، اول خداست. اما این حرف دیوار حاشای رسواها را برطرف نمی کرد. بگو شاهد رسالت من خدا و «من عنده علم الكتاب»؛ آن کسی است که علم کتاب در اختیار اوست.

شب قدر نشانه ای دارد که شب مبارکی است اما مبارکی خود را از کسی می گیرد که به یمن وجود او «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ». ملائکه در عرش، خدا را عبادت می کنند برای چه باید نازل شوند؟ چون اینجا و در زمین خبر مهمی است. اینقدر مهم که ملائکه و روح اعظم را به این فهم برساند که اگر به مقام بالاتری از قرب موجودشان بخواهند برسند باید به زمین بیایند.

وی ادامه داد: شاهد دومی که خدا اقامه می کند دارای یک ویژگی مهم است و شهادت او به رسالت پیامبر در ترازوی شهادت خدا قابل مقایسه است که جمهور مفسیرین گفته اند «هو علی ابن ابی طالب»؛ شب قدر نشانه ای دارد که شب مبارکی است اما مبارکی خود را از کسی می گیرد که به یمن وجود او «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ». ملائکه در عرش، خدا را عبادت می کنند برای چه باید نازل شوند؟ چون اینجا و در زمین خبر مهمی است. اینقدر مهم که ملائکه و روح اعظم را به این فهم برساند که اگر به مقام بالاتری از قرب موجودشان بخواهند برسند باید به زمین بیایند.

حشمت الله قنبری افزود: اینکه ملائکه نزول پیدا می کنند آیا حق است یا نیست؟ اگر حق است آیا ما به عنوان مومنانی که مخاطب وحی هستیم، جایگاه ما در حدی هست که ملائکه به خاطر ما پایین بیایند و ما را واسطه عبادت گری خودشان بدانند؟ اگر جوابی نداریم، باید به دنبال آن وجود مقدسی برویم که مهر عبادت گری ملائکه است و او را بیایم و بفهمیم.

وی ادامه داد: نقل است از امام مجتبی که وقتی حضرت از دفن امیرالمومنین بازگشت فرمود «وما ادرك ما ليله القدر و ما ادرك ما علی»؛ حرف امام مجتبی این است که «لَقَدْ قَبِضَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ رَجُلٌ لَمْ يَسْبِقْهُ الْأُولُونَ وَلَا يَدْرِكُهُ الْآخِرُونَ»؛ کسی از دنیا رفت که هیچ وقت گذشته ها نتوانستند بدانند او کیست و آینده ها هم در عظمت و بزرگی او درمانده می شوند، «و ما ادرك ما ليله القدر»؛ ظرف وجود مردم تحمل درک امام حسن را ندارد لذا باید حرفی بزنند که مردم بفهمند. لذا امام صحبت خود را پایین آورد و زمینی کرد «وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِيهِ رَأْيَتَهُ وَيُقَاتِلُ جَبْرِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ فَمَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ»؛ او کسی بود که وقتی پیامبر پرچم را در اختیار او قرار می داد میکائیل در سمت چپ و جبرائیل در سمت راست او بود و علی(ع) برنمی گشت مگر اینکه فتح الهی را با دست او محقق می کرد. عبارت امام مجتبی خیلی شگفت انگیز است. یعنی امیرالمومنین سردار سپاه خدا در کنار پیامبر است. چون فتح الهی با علی تحقق پیدا می کند. اگر علی نباشد بقیه فرار می کنند.

قنبری گفت: پیامبر از قول خداوند می فرماید «إِنَّ عَلِيًّا رَأْيَةُ الْهُدَى»؛ یعنی ای پیامبر! علی را آفریدم تا خودش پرچم هدایت باشد. «و إمام أوليائي»؛ علی امام دوستان من است. «و نور من أطاعني»؛ هر جا که عبادتگری وجود دارد از نور علی است. «و هُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ وَ أَلَزَمَهُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى»؛ کلمه ای که باعث به هم رسیدن و تثبیت تقوی می شود علی(ع) است. «و من أحبه أحبني»؛ هر کس او را دوست بدارد من نیز دوستش دارم. پیامبر فرمود خدا به من امر کرد ای پیامبر برو و این را به علی(ع) ابلاغ کن.

وی در پایان تصریح کرد: لذا شب قدر شب بزرگ و مهمی است و با ولی الله معنی پیدا می کند. با همه وجود باید باور کنیم که در محضر فیض هستیم.